کاوشی در مقوله تحریف، بسترها و شیوه‌های ایجاد در جریان‌های انحرافی مهدویت

پدیدآورنده (ها) : شهبازیان، محمد؛زارع، مهدی

فلسفه و کلام :: پژوهش های مهدوی :: بهار 1398 - شماره 28 (علمی-ترویجی/ISC)
از 27 تا 54
آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1456965

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

فصل‌نامه علمی ـ ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سـال هفتم، شمـاره ۲۸، بهــار ۱۳۹۸

کاوشی در مقوله تحریف، بسترها و شیوه‌های ایجاد در جریان‌های انحرافی مهدویت

محمد شهبازیان[۱]
مهدی زارع[۲]

چکیده

آموزه موعودباوری از مفاهیم جذاب و مورد اتفاق تمام فرق اسلامی بوده و شیعیان با توجه به مقوله انتظار، مشتاقانه به دنبال ظهور موعود پایانی هستند. به همین جهت جریان‌های انحرافی از این اشتیاق سوءاستفاده کرده و در میان شیعیان دام آموزه‌های انحرافی خود را گسترده و با بهره‌گیری از منابع قدما و معاصرین ادعای خود را مستند به تعدادی از روایت‌های مهدوی نموده‌اند. مهم‌ترین شگرد مدعیان در انتقال پیام‌شان بهره‌گیری از «تحریف» در روایات می‌باشد و متاسفانه از این رهگذر تعدادی از مشتاقان به مهدویت و حتی برخی از طلاب حوزه علمیه قم و نجف را با خود همراه نموده‌اند. در این نوشتار برآنیم تا با روش توصیفی ـ تحلیلی به مقوله تحریف پرداخته وپس از بررسی مفاهیم کلیدی، به عوامل بسترساز و شیوه‌ای ایجاد تحریف اشاره نمائیم. نتایج حاصله از این مطالعه این است که مدعیان

---

۱. سطح چهار رشته مهدویت و عضو گروه مهدویت پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی قم (نویسنده مسئول) (tarid@chmail.ir).
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز.

دروغین با افزودن یا حذف کلمه و جمله‌ای در روایت، تغییر در تقدیم و تاخیر کلمات، ترجمه غلط، مصداق گیری بی مورد و راه‌های دیگر انحراف خود را مستند به روایات نموده و از عوامل بسترسازی همانند جهل در میان عوام و خواص، دوری از فقها و ترویج فراحس‌گرایی استفاده نموده‌اند.

واژگان کلیدی

کاوش، تحریف، جریان‌های انحرافی، مهدویت، روایات.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های دینی، تحریف در مفاهیم اصیل دین و ایجاد انحراف و تغییر در مقصود حقیقی صاحب دین می‌باشد. تحریف در دین موجب می‌گردد که هم شخص در گرداب هلاکت قرار گیرد و هم دیگران را به گمراهی رهنمون سازد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۲، ۳۳۹) لذا تحریف‌گران جایگاهی سخت در قیامت خواهند داشت. (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۲۵۸) این آسیب موجب می‌گردد که امر تبلیغ معارف صحیح به کندی صورت پذیرد و از این روست که در روایات به سختی اصلاح فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ظهور اشاره نموده‌اند. چراکه ایشان ناچار در زدودن تفکراتی است که بدون دلیل قرآنی و روایی، تا زمان ظهورشان در اذهان شکل گرفته است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۶)

تلاش عالمان دینی و محققان بر این بوده است تا با تبیین صحیح مفاهیم دینی و مستندات آن، راه را بر بداندیشان سد نموده و دین را از انحراف پیراسته کنند. برخی از این نگاشته‌ها به صورت کلی به تبیین علوم حدیث یا روایت‌ها پرداخته و عوامل تحریف را در میان مباحث خود طرح کرده‌اند. در این باره می‌توان به کتاب‌هایی مانند ***الرعایة فی علم الدرایة*** شهید ثانی، ***الرواشح السماویه*** سید محمدباقر میرداماد، ***الاخبار الدخیلة*** محمدتقی تستری و مقالات ***تحلیل و بررسی تصحیف و تحریف در برخی روایات مهدویت*** خدامراد سلیمیان، مندرج در فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی شماره ۱۴، ***نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی*** سیدجعفر صادقی، فصل‌نامه مشرق موعود، ***تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها***، سیدعلی دلبری، فصل‌نامه کتاب قیم، ش ۱۱ و ***تأملی در تفسیر آیه شریفه ﴿یحرفون الکلم عن مواضعه﴾*** محمدحسن احمدی فصل‌نامه مطالعات تفسیری، ش ۱۰ اشاره نمود.

در این نوشتار تلاش گردیده تا افزون بر استفاده از تجربه‌های گذشته، مطالبی به صورت پیوسته درباره چیستی، اقسام، عوامل و شیوه‌های ایجاد تحریف با ساختاری جدید ارائه گردد

و از نمونه روایات مهدوی تحریف شده استفاده شود تا خواننده گرامی با مفاهیم تحریف ارتباط بهتری برقرار نماید.

تبیین مفاهیم

تحریف

تحریف بر وزن تفعیل و از ماده (حرف) اخذ گردیده و مراد از آن عدول کردن و تمایل از شیئی به شیء دیگر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج۹، ۴۳) و تحریف کلام را تغییر کلام را دانسته‌اند. (همو) و در اصطلاح، تغییر در ظاهر و معنای کلام گوینده را تحریف آن کلام دانسته‌اند. آیت الله سبحانی در تعریف اصطلاحی تحریف می‌فرمایند:

> هرگونه دخل و تصرف در کلام نویسنده و نوشته‌اش به گونه‌ای که با معنای مقصودش مخالف باشد تحریف نام دارد. (سبحانی، ۱۴۲۵ق: ج۳، ۵۵۷)

عموم لغویون این واژه را به عنوان تغییر در معنای کلمه دانسته و مصداق بارز آن را تحریف در کتب مقدس گذشته و تغییر معنای آیات قرآن معرفی می‌کنند. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق: ج۳، ۸۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج۳، ۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج۹، ۴۳) آیات قرآن نیز مکرر به موضوع تحریف اشاره نموده و در ارتباط با کتب ادیان گذشته مهم‌ترین خیانت به امانت انبیاء را دست کاری و تغییر در کتاب‌های آنان شمرده است. (نساء: ۴۶؛ بقره: ۵۹ و ۷۵؛ مائده: ۱۳ و ۴۱ و...) پر واضح است اشاره به تحریف کتب وحیانی[۱] بیان یکی از مصادیق بارز و آشکار است و انحصار را نمی‌رساند، لذا تغییر در هر کلام و سخنی را می‌توان تحریف آن دانست و در مورد احادیث و روایات نیز تحریف وجود داشته و مراد از حدیث محرَّف را چنین دانسته‌اند:

> [حدیث محرف] آن است که در آن تغییری از روی جهل و سفاهت تغییردهندگان یا به صورت اضافه نمودن عبارتی به گفتار اصلی، یا کم نمودن عبارتی و یا تغییر حرفی به جای حرفی دیگر که مشابه آن نیست، روی داده باشد. این تحریف یا در سند روایت است و یا در متن رخ داده است. (میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۳۳)

با توجه به روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، مراد از تحریف شامل تغییر در لفظ، معنا و بیان مصداق اشتباه می‌باشد و هرگونه تغییر در گزاره‌ای که مقصود حقیقی گوینده را تحت‌الشعاع قرار داده و

---

۱. در مورد معنای تحریف در قرآن و پاسخ به اشتباهات تحلیل، ر.ک: افسانه تحریف قرآن رسول جعفریان؛ تحریف‌ناپذیری قرآن، فتح‌الله نجارزادگان.

از معنای اصلی منحرف نماید را در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه همان‌گونه که قرآن فرموده است تحریف‌کنندگان کتاب حضرت موسی ؑ، کلماتی را که نازل شده بود لفظا و معنا تغییر دادند (البقره: ۵۹) که در دوران پس از حضرت محمد ﷺ نیز برخی از گمراهان چنین عملی را جهت جسارت به امیرالمومنین علی ؑ دنبال نمودند. در شرح حال حریز بن عثمان نقل شده است که او حضرت علی ؑ را پس از هر نماز لعن نموده! و روایت متواتر «أنت بمنزلة هارون من موسی» که در فضیلت و جایگاه رفیع حضرت علی ؑ به زبان رسول خدا ﷺ نقل شده است را تحریف لفظی نموده و چنین گفته که راوی اشتباه شنیده و لفظ صحیح «أنت منّی بمکان قارون من موسی» بوده است! (امینی، ۱۴۱۶ق: ج۵، ۴۷۳)

افزون بر تغییر در ظاهر لفظ و معنای آن، بیان مصداق اشتباه نیز زیر مجموعه تحریف می‌باشد، روایتی از امام باقر ؑ نقل گردیده که اگر چه مغرضان با اهل‌بیت ؑ متن روایت را همان‌گونه که رسول خدا ﷺ فرموده نقل نموده‌اند اما با تطبیق آن بر مصداقی اشتباه، عملاً دست به تحریف زده‌اند. ایشان به روایتی اشاره می‌کنند که مصداق آن حضرت علی ؑ بوده اما بداندیشان، آن را به خلفای دیگر نسبت می‌دهند. (امینی، ۱۴۱۶ق: ج۹، ۴۶۳؛ ج۱۰، ۱۰۵)

تفاوت تصحیف و تحریف

باید توجه داشت که تحریف را با تصحیف خلط نکرده و اگر چه در تصحیف روایت نیز تغییراتی در اعراب‌گذاری، کلمات و در نهایت محتوا اتفاق می‌افتد لکن پشتوانه تحریف سوء نیت و غرض است و تلاش بر این‌که معنا و مصداق تغییر نماید، اما در تصحیف خطای بصری یا شنیداری عامل آن ذکر می‌شود. (میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۳۴)

مهدویت

این واژه از سه بخش (مهدی)، (یاء نسبت) و (ة) تانیث تشکیل شده است. مشهور لغویین معنای (مهدی) را (هدایت شده به سوی حق) ذکرکرده(ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج۱۵، ۳۵۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ج۵، ۲۵۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ج۱، ۴۷۶) و اهل‌بیت ؑ در ادعیه نیز به همین معنا توجه نموده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۳، ۳۱۰) کلمه‌ی عربی «مهدویت»، از پیوستن دو نشانه‌ی ادبی بر واژه‌ی «مهدیّ» ساخته شده است، نخست، علامت «یاء مشدد» که این لفظ را به «مهدویّ» تبدیل نموده؛ دیگر، علامت «تاء تانیث». در زمان ساختن مصدر صناعی معنا نیز تغییر می‌کند. مثلا انسان در حالت اولیه به معنای (حیوان ناطق) ذکر می‌شود اما در

زمان اتصال لوازم مصدر جعلی و تبدیل به کلمه (انسانیة) مفهوم مجردی شامل تمام خصوصیات انسان را مانند شفقت، علم و غیره را در بر می‌گیرد. (حسن، ۱۳۸۰ش: ج۳، ۱۸۶) ازاین‌رو، مهدویت در اصطلاح، به تمامی «مطالب، معارف، معلومات و منقولات تاریخی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی که به هرشکل و جهت با موعود منتظر ارتباط و انتساب دارد» گفته می‌شود. (تاجری‌نسب، ۱۳۸۷ش: ج۱، ۲۰) از طرف دیگر می‌توان برای این عبارت موصوفی محذوف را تصور نمود و این کلمه را اسم منسوب دانست که تفاوت آن با مصدر جعلی در این است که در قالب صفت معنا می‌شود و مراد «المسائل المهدویة» می‌باشد. معنا نیز چنین می‌شود «آموزه‌های مرتبط با امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف».

جریان‌های انحرافی

جریان

(جریان) درلغت به معنای روان شدن یا به حرکت در آمدن چیزی معمولا مایع؛ و در مواردی به معنای ماجرا و موضوع به کار رفته است. این واژگان به صورت مضاف در اقتصاد، فیزیک، برق، روان‌شناسی و غیره کاربرد دارد. (انوری، ۱۳۸۲ش: ج۳، ۲۱۲۵) برخی محققین معتقدند «جریان عبارت است از جمعیتِ مدیریت‌شده‌ی تأثیرگذار بر جامعه». (خسرو پناه، ۱۳۹۲) و در ادامه اعتقاد دارند که هر آن چه را می‌توان جریان نامید که دارای سه مؤلفه باشد:

۱. باید جمعیتی وجود داشته باشد؛ ۲. این جمعیت باید مدیریت شده باشد؛ (مدیریت ممکن است از سوی یک نفر یا چند نفر باشد)؛ ۳. در نهایت جریان باید بر جامعه تأثیر بگذارد. (همو)

نویسنده‌ای دیگر می‌گوید:

بنابراین یک جریان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی حتما حول محور یک فکر، اندیشه و مرام مشخص و معین شکل می‌گیرد. فرق آن با یک مکتب فکری یا یک ایدئولوژی معین یا با اندیشه چند متفکر خاص در این است که از ذهن و از روی کاغذ خارج شده و به صورت عمل جمعی در عرصه اجتماع و جامعه ظاهر می‌شود. (خرمشاد و سرپرست سادات، ۱۳۸۸ش)

البته معنای اصطلاحی و مورد نظر این نوشتار آن زمانی قابل تبیین است که واژگان اضافه شده بدان را ذکر نماییم.

انحراف

بر وزن انفعال و برگرفته از ریشه‌ی (حرف) به معنای میل پیدا کردن از چیزی به چیز دیگر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج۹، ۴۳) به عبارت دیگر نوعی واکنش در برابر شنیدن، دیدن و یا حس کردن موضوع دیگر می‌باشد. در مسائل اعتقادی نیز به تغییر روش و نگرش در اعتقادات سابق گویند.

در نتیجه و با توجه به توضیحات گذشته مراد از (جریان‌های انحرافی)، حرکت جاری، اختیاری و هدفمند گروهی با رهبری یک فرد را گویند که با سوء نیت در امور مرتبط با مهدویت و گزاره‌های آن دخل و تصرف نموده و بر آن پافشاری دارند و توانسته‌اند تأثیرگذار نیز باشند و به صورت مشخص مراد ما شامل گروه‌های مدعی، کج‌اندیشان و سهل‌اندیشان آگاه در مباحث مهدویت می‌باشد.

اقسام تحریف

با توجه به نکات و تعریف ذکر شده می‌توان برای تحریف اقسامی را مدنظر قرار داد. آن‌چه که مرسوم و متعارف است این‌که می‌توان تحریف را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم نمود، اما هر یک از دو دسته خود دارای زیر مجموعه و اقسامی است که در ذیل بدان اشاره خواهیم کرد.

الف) تحریف لفظی

تحریف لفظی حدیث به شش صورت قابل تصور است:

تحریف در حرکات و اعراب کلمه

به عنوان نمونه گروهک انحرافی احمد اسماعیل بصری ـ که رهبرشان مدعی امامت سیزدهم و یمانی بودن است ـ در تحریفی آشکار روایتی را از اهل‌سنت نقل نموده که در آن محل تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شهر «مَدینه» می‌داند. (ابن حماد، ۱۴۱۸ق: ۲۵۹) اما آن‌ها عبارت را به صورت مصغر «مُدَینه» می‌خوانند تا به زعم خودشان این گزارش را اشاره‌کننده به محل تولد احمد اسماعیل بصری یعنی «مُدَینة البصرة» بدانند. (فتحیه، ۱۳۹۶ش: ۱۴۹) در حالی‌که اولاً: این گزارش تنها از اهل‌سنت نقل شده و هیچ یک منابع شیعی بدان اعتنا نکرده‌اند. ثانیاً: ناقل این روایت ابن حماد در کتاب *الفتن* می‌باشد که کتاب وی محل تأمل میان محققین است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ ق: ج۱۰، ۴۶۱) ثالثاً: سند روایت ضعیف بوده[۱] و

۱. حدثنا عبد الله بن مروان عن الهیثم بن عبد الرحمن عمن حدثه عن علی ابن أبی‌طالب رضی الله عنه.

علاوه بر مجهول بودن یکی از راویان آن به نام «الهیثم بن عبد الرحمن» راوی قبل از حضرت علی ﷺ را نمی‌دانیم چه کسی است و نامی از وی برده نشده است. رابعاً: مکان تولد احمد اسماعیل بصری منطقه «هویر» می‌باشد نه منطقه «مدینه» و این دو مکان به فاصله‌ای چند کیلومتری از هم قرار دارند.[1]

تحریف در حروف کلمه

همانند آن‌چه در جایگزینی واژه (قارون) به جای (هارون) ذکر گردید. (میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۳۲)

تحریف با تعویض کلمات

بدین‌گونه که کلمه‌ای برداشته و کلمه‌ای دیگر جایگزین آن شود.

در روایتی منقول از امام صادق ﷺ عنوان شده است:

> حجّ کنید پیش از آن‌که نتوانید به حجّ بروید، حجّ کنید پیش از آن‌که راه خشکی بسته شود. (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۶۴)

در این روایت عبارت (الْبَرُّ جَانِبَهُ) ذکر شده است اما یکی از نویسندگان دوره قاجاریه در این روایت دست‌کاری نموده و در کتاب خود با عنوان *فجائع الدهور* همین روایت را ذکر کرده و به جای آن عبارت «البریطانیة» را قرار می‌دهد. (مرندی، نسخه خطی: ۶) و استنباط می‌کنند که مراد جلوگیری از سفر حج توسط بریتانیا می‌باشد.[2]

تحریف موضعی با تقدیم و تأخیر

یعنی برخی الفاظ حدیث جابه جا شده و در جایگاهی غیر از جایگاه اصلی خود که از معصوم ﷺ صادر شده است، قرار گیرند. این نوع از احادیث را «مقلوب» می‌گویند. (میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۹۲)

تحریف به نقیصه

مراد این است که تحریف در روایت و گزاره‌ی دینی، با کم نمودن یک کلمه صورت

1. https://www.google.com/maps/@30.9572156,47.2839648,14z

۲. جهت نقد دیدگاه‌های شیخ ابوالحسن مرندی و تحریفات ایشان ر.ک: نقد برخی روایت‌های مهدوی در کتب شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش۹؛ نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش۴۶.

می‌پذیرد. نمونه این تحریف در ادعاهای مدعی یمانی عراق، احمد اسماعیل بصری وجود دارد که با حذف کلمه‌ای درگزارش سطیح کاهن از آخرالزمان تلاش در اثبات فرزنددار بودن حضرت مهدی ﷻ در دوران غیبت دارند.

ناظم العقیلی گزارش را چنین خوانده:

فقال سطیح: ... فعندها یظهر ابن المهدی (عقیلی، ۲۰۱۲م: ۱۵)؛

سطیح کاهن می‌گوید: در «آخرالزمان، فرزند مهدی ظهور خواهد کرد».

و مدعی گردیده که روایت از فرزندی برای حضرت مهدی ﷻ نام برده و این فرد کسی جز احمد اسماعیل بصری نیست!

این گمانه و توهم مدعی در حالی است که به فرض صحت خبر، باز هم بر ادعای احمد دلالت نمی‌کند؛ چراکه تصریحی به نام او نشده است. از طرف دیگرکهن‌ترین منبعی که قسمتی از عبارت‌های این خبر را (بدون ذکر قسمت مذکور) نقل کرده، *کتاب الملاحم* ابن المنادی ۳۳۶ق، از محدثین اهل‌سنت است. (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۵۱) در میان عالمان شیعی نیز اولین منبع نقل این خبر، کتاب *مشارق انوار الیقین* اثر حافظ رجب برسی ۸۱۳ق است (بُرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۰) و تمام منابع متأخر دیگر مانند *بحار الانوار* از این کتاب نقل کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۵۱، ۱۶۳)

پس از مراجعه به کتاب *مشارق انوار الیقین* و مصدر نقل *بشارة الاسلام* که کتاب *بحار الانوار* است، متوجه می‌شویم که در *بشارة الاسلام*، اشتباه چاپی رخ داده و عبارتی از قلم افتاده است و متن صحیح خبر چنین می‌باشد:

فعندها یظهر ابن النبی المهدی؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۵۱، ۱۶۳؛ بُرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۰)

در آخرالزمان، فرزند رسول خدا ﷺ، یعنی حضرت مهدی ﷻ ظهور خواهد کرد.

تحریف به زیاده

مراد این است که کلمه یا کلماتی در متن حدیث گنجانده شده و از این راه تغییر در متن حدیث روی دهد.

نمونه‌ای از این تحریف لفظی مرتبط با مهدویت درکتاب‌های شیخ ابوالحسن مرندی قابل جست‌وجوست که با افزودن کلماتی به متن‌های موجود درکتب قدما، سعی در القای دیدگاه‌های خود داشت.[1]

۱. جهت نقد دیدگاه‌های شیخ ابوالحسن مرندی و تحریفات ایشان ر. ک: نقد برخی روایت‌های مهدوی درکتب شیخ

ب) تحریف معنوی

مراد در این نوع از تحریف که بیش‌ترین حجم تحریف‌های روایی و قرآنی را به همراه دارد این است که با تمسک به شگردهایی مانند جعل، تقطیع، افزودن عبارت به متن، به کار بردن لفظ در غیر معنای خود (موضوع له) و تأویل‌گرایی، مراد و معنای گوینده را تغییر دهند. این نوع خود به دو قسم قابل تصور است.

تحریف در معنای کلمه

مراد این است که اگر چه کلمه دارای معنای مشخصی می‌باشد اما آن را در معنای دیگر که ارتباطی با آن ندارد به کار برند به عنوان نمونه برخی از افراد گمان نموده‌اند که پیامبر خدا ﷺ بنا بر گزارشی (شعیری، ۱۴۰۵ ق: ۱۴۱) خوردن دم نوشی به نام قهوه را مذمت کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج۲۵، ۳۸۴)[1] و مراد از (قهوه) در روایت «وَ شُرْبِ الْقَهَوَات») را همان قهوه‌ای دانسته‌اند که در عرف بازار و به عنوان نوشیدنی گرم استفاده می‌شود و عرب از آن با عبارت «البُن» نام برده که بعداً در قهوه فعلی و با عبارت «قهوة البُن» نام می‌برد (الازدی، ۱۳۸۷ش: ج۳، ۱۰۷۸)، در حالی که معنای (قهوه) در روایات (مشروب الکلی و مست کننده) می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج۴، ۶۴؛ کاشف الغطاء، ۱۳۱۹ق: ۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۵۲، ۲۶۴)

تحریف در تطبیق ناصحیح

این نوع خود به سه قسم قابل تقسیم است.

بیان مصداق کاملاً اشتباه و فهم ناصحیح از روایت

مک. مه این سخن را می‌توان برداشت ناصحیح از روایت‌هایی دانست که اشاره به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران پر شده از ظلم را داد. چراکه برخی گمان نمودند که مراد از این دسته از روایات عدم امر به معروف و نهی از منکر و بلکه ایجاد فساد جهت تسریع در امر ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۸ش: ج۲۴، ۴۳۷).

ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش۹؛ نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش۴۶.

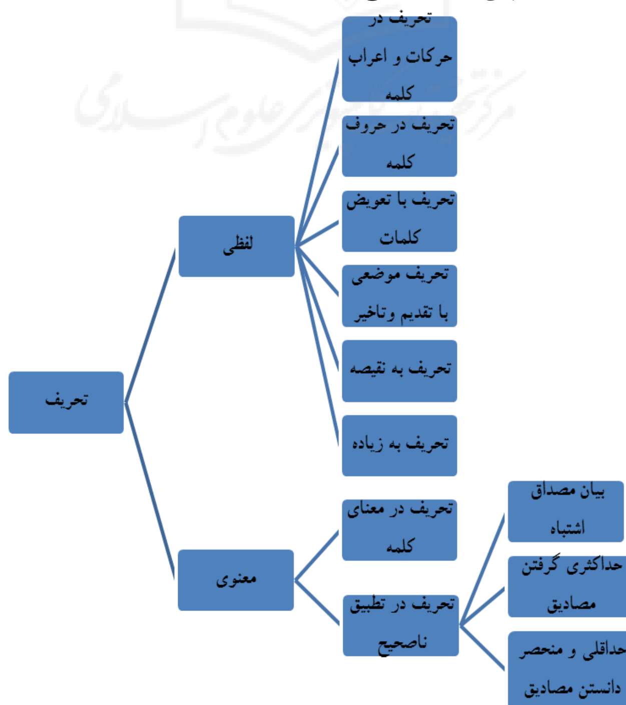
۱. التهاب این مطلب در فضای مجازی را می‌توانید با جست‌وجوی عنوان «قهوه خوردن در آخرالزمان» در گوگل جست‌وجو نمایید.

حداکثری گرفتن و عمومیت دادن به مصداق

نمونه این دسته را می‌توان در روایت‌های نافی قیام قبل از ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دانست چراکه محتوای این روایات نافی قیام‌هایی است که رهبران آن‌ها خود را به نام مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف معرفی می‌کردند؛ همانند محمدبن عبدالله نفس زکیه و قیام‌های زیدیه و یا نافی قیام‌هایی بود که مترصد سوءاستفاده از شیعیان جهت به کرسی نشاندن مخالفان اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند همانند قیام ابومسلم خراسانی. این در حالی است که برخی از نویسندگان و جریان‌های انحرافی نهی از قیام را عمومیت داده و هرگونه حرکتی قبل از ظهور را مذمت می‌کنند. (ری‌شهری، ۱۳۹۳ش: ج۶، ۱۹)

حداقلی گرفتن مصادیق و منحصر نمودن آن

در این مورد می‌توان به توقیع حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پیرامون رجوع به راویان حدیث (فقها) در زمان غیبت اشاره نمود که برخی مصداق عبارت «وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا» را منحصر در نایبان خاص و دوران غیبت صغری دانسته‌اند (فتحیه، ۱۳۹۶ش: ۱۸۴) در حالی‌که عبارت «روات حدیث» اعم از فقیهان در دوران غیبت صغری و کبری می‌باشد. (امام خمینی، ۱۴۲۳ق: ۸۰؛ خوئی، ۱۴۱۸ق: ج۱، ۷۰)



بسترهای ظهور، پذیرش و رواج تحریف

یکی از مباحث مهم و مرتبط با مقوله تحریف بررسی بسترها و زمینه‌های ایجاد و گسترش تحریف در جوامع دینی می‌باشد. چراکه در هنگام نقد موضوع تحریف شده درمانی صورت پذیرفته است و جامعه‌ی دینی دارای سطحی از آگاهی گردیده اما با توجه و دقت به عواملی که می‌تواند موثر در ایجاد وارونگی در دین باشد می‌توان از اصل تحریف پیش‌گیری کرده و از ایجاد فضای تحریف در دین جلوگیری نمود. وجه ضرورت دیگر این‌که، افراد دین‌مدار با گسترش تحریفات ـ که باید در مواقعی دوستی آنان را مخرب‌تر از دشمنی دشمنان دانست ـ خود آسیبی برای دین شده و با ارائه روش‌ها و سخنانی خالی از عقلانیت دینی، راه را برای وارونگی دین فراهم می‌سازند. از این روی باید به موارد زیر توجه نمود:

۱. جهل و عوام زدگی در دین

در آیات قرآن و روایات دینی مقدار زیادی از گزاره‌ها در مذمت جهل و نادانی (به ویژه در دین) و ارزش علم و عقلانیت بیان شده است. خدای متعال توصیه به پیامبران خود نموده که مبادا در جهل فرو روند.[۱] مرحوم کلینی نیز کتاب شریف *کافی* را با کتاب العقل آغاز نموده و در روایتی اشاره می‌کنند که اگر عقل در فردی فعال گردد به دنبال آن دین‌داری و حیا نیز خواهد بود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۱۰) در زیارت اربعین حسینی نیز می‌خوانیم که از عوامل قیام امام حسین علیه‌السلام زدودن جهل از جامعه است چراکه تحریف‌کنندگانی مانند معاویه و یزید بر سفره ی جهل مردم نشسته‌اند. (قولویه، ۱۳۵۶ق: ۲۲۸) امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز در نامه‌ای که رد بر غالیان بوده، رنج خود از جهل جامعه دینی را چنین فرموده‌اند:

قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشِّيعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُم؛ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج۲، ۴۷۴)
ما را جاهلان شیعه و احمقان آنان آزار می‌دهند.

جامعه‌ای که پایه‌های آن را جهل فرا گیرد و احساسات غلبه بر عقلانیت نماید نصیبی جز تحریف و وارونگی دین نخواهد داشت. در این روزگار نیز شاهد هستیم که غلبه احساسات مهدی‌گرایانه بر عقلانیت مهدوی مشهود بوده و نگاه‌های سطحی به آموزه‌های رفیع مهدوی، بستری برای وارونه نمودن و دگرگونی معارف اصیل را به ارمغان آورده است. مسعودی مورخ

۱. ﴿فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْجاهِلِين﴾ (الانعام: ۳۵)

اهل‌سنت گزارشی عجیب مانند خواندن نماز جمعه در روز چهارشنبه توسط معاویه و یارانش را ذکر نموده‌اند. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج۳، ۳۲) که به یقین شاهدی بر حاکمیت جهل در ایجاد تحریف در دین است. در زمان معاصر نیز مدعیانی از این مورد بهره برده به گونه‌ای که آیت‌الله حاج شیخ حسین لنکرانی درباره‌ی اولین همراهان علی محمد شیرازی مدعی بابیت چنین می‌نویسند:

> بابیان فداکار و جان فشان اولیه که در قیام‌های خونی زمان باب شرکت داشتند و خود را به آب و آتش می‌زدند، بابی و بهایی (به معنایی که امروزه از این کلمات مراد می‌کنیم) نبودند؛ بلکه شیعیانی ساده‌لوح و ره گم کرده بودند که در تشخیص «مصداق» به خطا رفته، به عشق هواداری از صاحب‌الزمان و قائم موعود، اسیر مشتی بازیگران سیاسی شده بودند. (عرفان، ۱۳۸۸)

به یقین یافته‌ایم که جهل اگر با دین آمیخته شود و تبدیل به جهلی مقدس گردد آسیب بیش‌تری را به همراه خواهد داشت و مهار نمودن اجتماع سخت‌تر خواهد بود. از این روی در روایات بیان گردیده که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به تلاشی بیش‌تر از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیاز دارند تا مردم را از گمراهی به وادی هدایت جلب نمایند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷)

۲. تعصب و تحجرگرایی

در مباحث عقیدتی و مبانی دین لازم است که از هرگونه تقلید پرهیز کرده و بلکه لازم است تا ذهن را از هرگونه حب و بغض خالی نمود سپس در محیطی آرام به تحلیل ادله پرداخت و نتیجه گرفت. هم‌چنین نباید دریچه‌های ذهن را مسدود نمود و در صورت پذیرش عقیده‌ای آن را مطلق علم دانسته و اجازه ندهیم تا نظرات دیگر و انتقادهای آنان شنیده شود بلکه لازم است سعه صدر را دستورکار خود قرار داده و به حکم عقل و دین نظرات مختلف را بشنویم. به عبارت دیگر نباید از اصل تکامل علم و اندیشه خود را محروم نماییم.

این مهم متاسفانه از چشم مریدان به یک جریان فرقه‌ای مخفی مانده و به گونه‌ای عمل می‌کنند که هیچ سخنی را نمی‌خواهند بشنوند. تحجر نقطه مقابل تفقه در دین است. متحجران و متعصبان نیز یا برای حفظ عقاید وهم‌آلود خود دست به تحریف می‌زنند و یا مریدان چشم و گوش بسته‌ای هستند که امور وارونه در دین را می‌پذیرند. در چنین فضایی است که مدعیان دروغین نیز به راحتی جولان داده و امر تحریف را پیش می‌گیرند.

۳. روحیه‌ی اباحه‌گری و فرار از تکلیف

انسان‌های دین‌دار در زندگی به اموری مکلف شده‌اند و «تکلیف» نیز انجام اموری است که اگر چه با حقیقت روح سازگاری دارد و موجب سعادت بشری است اما پیچیده در سختی نیز می‌باشد و به هر حال فرد مکلف باید خود را به زحمتی مقید سازد. از این روی در برخی معتقدین به جریان‌های انحرافی این نکته مشهود است که دینی را جست‌وجو کرده که بر مذاقشان خوش آید و این روحیه بستری مناسب جهت تحریف در دین و پذیرفتن آن می‌باشد. به عنوان نمونه غالیان از این روحیه بهره‌مند بوده و انگیزه‌های تحریف در آن‌ها شکل می‌گیرد. امیر مومنان حضرت علی علیه‌السلام در بیانی شیوا این روحیه را متذکر شده و می‌فرمایند:

> به خدا شکایت می‌برم از گروهی که در جهل و نادانی زندگی می‌کنند و در گمراهی جان می‌دهند و می‌میرند گروهی که در میان آنها متاعی کسادتر از قرآن مجید نیست، اگر درست خوانده و تفسیر شود و متاعی بهتر و گران‌بهاتر از آن، نزد آنها وجود ندارد، اگر آن را از مفاهیم اصلیش تحریف کنند (و مطابق هوای نفس آنها تفسیر نمایند) نزد آنها چیزی زشت و ناشناخته‌تر از معروف نیست و (چیزی) نیکوتر و آشناتر از منکر وجود ندارد (چرا که تمام وجود زشت‌شان هماهنگ با منکرات است و بیگانه از نیکی و معروف). (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷)

۴. شخصیت‌زدگی و اندیشه‌پرستی

قرآن کریم قسمتی از مبارزات خود را به نفی غلو پیرامون جایگاه انبیاء، اوصیاء و عالمان دینی قرار داده است.[1] باید دانست اگر چه تجلیل نمودن از عالمان دینی و احترام گذاشتن به آنان یک وظیفه عقلی و شرعی می‌باشد، اما متاسفانه این امر گاهی از شکل صحیح و منطقی خارج شده و شیوه‌ای غیر صحیح پیدا می‌کند. به عنوان نمونه هیچ گاه نمی‌توان جایگاه عصمت برای برخی از عالمان و عرفا قائل بود به گونه‌ای که اگر فردی سخن آنان را با ادله منطقی نفی نمود در برابر او قرار گیریم و فریاد وا اسلاما! سر دهیم. و یا این‌که گمان نماییم اگر نظریه‌ای توسط عالمی دینی بیان شده است دیگر کسی یارای آوردن مطلبی جدید را ندارد و باید به نظریات گذشتگان پایبند باقی ماند. این شیفتگی و ارادت غیر صحیح ارمغانی جز جمود و شخصیت‌زدگی نداشته و مهاجمان به کیان دین می‌توانند به راحتی از آن‌ها علیه دین بهره گیرند. نمونه‌های عینی آن است که برخی قائل به صحت تمام روایات موجود در کتاب *الکافی*

---

۱. ﴿اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ الله﴾ (توبة: ۳۱)

کلینی گردیده و یا در زمان معاصر آن‌چه از عارف بزرگوار مرحوم آیت‌الله بهجت در نشانه‌های ظهور درج می‌گردد را تلقی به قبول کرده‌اند. این درحالی است که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در توصیه‌ای عالمانه فرموده‌اند:

همانا دین خدا را از طریق مردمان نمی‌توان شناخت بلکه باید دین را با معیارهای حق شناسایی کرد. معیارهای حق را بشناس تا اهل حق را هم پیدا کنی. (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۵)

غمناک این‌که امروز جامعه‌ی دینی نه گرفتار شخصیت‌زدگی درباره عالمان دینی (که اشتباهات و خطاهای آنان نادر است و در امور جزئی می‌باشد)، بلکه گرفتار عالم نمایان و سخن‌وران بی سواد گشته‌اند. افرادی که از اولیات دین بی‌اطلاع بوده و به صرف بیان‌های احساسی و شورانگیز و به یاری فضای مجازی، گریبان دین‌داران را گرفته‌اند. این است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

برخی صرفاً دیندار دهن‌بین هستند و معارف خود را از متن قرآن و سنت اخذ نمی‌کنند لذا دین‌شان نیز سست و بی‌مایه است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲)

البته برای جلوگیری از سوء برداشت و وسوسه‌ی خناسان متذکر می‌شویم که اولاً: در مبانی کلی دین هیچ اختلافی میان عالمان و فقها نیست و آن‌چه در میان این بزرگان مشترک است را نمی‌توان به بهانه‌ی شخصیت‌زده نشدن با دلایل ذوقی و واهی رد ونقد نمود. در مسئله‌ای که چنین باشد اتفاق عالمان دینی دلالت بر پشتوانه‌ای محکم بر مسئله است. مانند این‌که انحصار وجود دوازده امام و وصی بعد از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله قطعی و یقینی است؛ لذا فردی نمی‌تواند با تمسک به روایاتی مجمل و تصحیف شده استدلال به وجود اوصیایی بیشتر یا کمتر نماید.

ثانیاً: سخن در جایی است که بیان و تحلیل یکی از علما را بتوان با ادله محکم و متقن نقد نمود و در برابر اشکالات وارده پاسخی وجود نداشته باشد. در این جا لزومی بر پافشاری بر نظریه‌های گذشته نمی‌باشد. اما در غیر این صورت تبعیت از عالمان و فقها شرط عقل و دستور شرع است.

ثالثاً: مراد نگارنده این است که اگر عالمی روایتی را نقل فرمودند و یا نظریه‌ای را به فردی نسبت دادند، شرط تحقیق آن است که خود نیز به منبع مراجعه نموده و صحت آن را تایید نمایند. چراکه در مواردی وجود دارد که آن فقیه و یا عالم به ذهن خود اتکا کرده است و یا جست‌وجویی ناقص داشته و نقل یا برداشتی اشتباه را ارائه می‌دهد. این موارد در نگاشته‌ها و

سخنان هر فردی محتمل است اگر چه در عالمان دینی به حداقل می‌رسد.

به عنوان نمونه می‌توان به متن برخی از کتب و مقالات اشاره نمود که به دلیل کم شدن حجم نوشته و یا بهانه‌های دیگر متن روایات درج نمی‌گردد و نویسنده‌ی مقاله تنها به آدرس‌دهی بسنده کرده و در نهایت اساتید و دانش‌پژوهان نیز در نگاشته‌های بعدی به همان متن استناد می‌کنند. متاسفانه به منبع درج شده و متن اصلی مراجعه‌ای صورت نمی‌گیرد. در این‌جا مثالی را از کتاب ***مکتب درفرآیند تکامل*** تالیف دکتر سیدحسین مدرسی ذکر می‌کنیم. ایشان درکتاب خود بحثی در مورد غیبت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مطرح کرده و می‌گویند:

> روایتی حتی پیش‌بینی می‌کرد که دو دوره‌ی غیبت وجود خواهد داشت که پس از دوره ی اول، قائم آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ظاهر شده و سپس برای دوره‌ای طولانی‌تر مجدداً به غیبت خواهد رفت... نقل دیگری از این روایت پیش‌بینی می‌کرد که دوره‌ی اول غیبت طولانی‌تر از دوره‌ی دوم خواهد بود. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۶۹)

با توجه به این عبارت نویسنده معتقد است روایتی داریم که در آن زمان و مدت روزهای غیبت صغری را بیش از دوران غیبت کبری دانسته و سید حسین مدرسی این کلام خود را مستند به روایتی درکتاب ***الغیبة نعمانی***، صفحه ۱۷۰ نموده است. این در حالی است که با مراجعه به کتاب ***الغیبة نعمانی***، متوجه ترجمه‌ی اشتباه نویسنده از روایت و در نهایت اشتباه در تحلیل می‌شویم. متن روایت نعمانی[۱] چنین است:

> **سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ ع يقُولُ لِلْقَائِمِ غَيبَتَانِ إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ فَالْأُولَى يعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ وَالْأُخْرَى لَا يعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ فِي دِينِه (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۰)؛**
>
> از امام صادق علیه‌السلام شنیدم می‌فرماید: «حضرت قائم علیه‌السلام دارای دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی و دیگری کوتاه است، در غیبت نخستین خواصّ از شیعه از جایگاه او باخبرند ولی در غیبت دیگر هیچ کس از محلّ او آگاه نیست جز خدمت‌کاران و یا دوستان خاصّ او که بر دین او هستند».

خوانندگان محترم متوجه شده‌اند که ایشان کلمه «إحداهما» که به معنای «یکی از آن‌ها» و در مقابل «أخری» یعنی «دیگری» است را به اشتباه «اولین» در برابر «دومی» ترجمه کرده است و این برداشت اشتباه در مورد طولانی بودن غیبت صغری بر ایشان پدید آمده است.

---

۱. ایشان از الغیبه نعمانی به تصحیح استاد علی اکبر غفاری بهره برده و ما نیز متن حدیث را از همین چاپ گرفته‌ایم.

۵. تقلید از متخصصین عوام!

عقلا این امر را بدیهی می‌دانند که اگر در مسئله‌ای علم نداشته و محل پرسش نیز می‌باشد، باید به اهل علم و تخصص در آن زمینه مراجعه نمود. قرآن مجید نیز این مهم را با عبارت‌هایی مانند ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء: ۳۶) «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن» و ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ (النحل: ۴۳) «اگر این موضوع را نمی دانید بروید و از اهل اطلاع بپرسید» تذکر داده است. در روایات متعدد نیز این مهم پرداخته شده و دستور به کسب علوم از افراد متخصص را دستور داده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۵۰) در گزارشی آمده است، زمانی که مردی شامی به دیدار امام صادق علیه‌السلام می‌آیند و درخواست مناظره می‌دهند، ایشان در هر رشته‌ای متخصص آن فن را معرفی کرده و گفتگو را به یک نفر واگذار نمی‌کنند. (کشی، ۱۳۶۳ش: ۲۷۶) متاسفانه این فرهنگ در میان مردم عادی و برخی از متولیان فرهنگی رنگ باخته است و هر موضوعی را از هر فردی جست‌وجو نموده و یا گمان دارند اگر فردی در رشته‌ای متخصص است باید در تمام رشته‌های دیگر نیز ابراز نظر کنند!

می‌توان این افراد را متخصصان عوام یا اندیشمندان جاهل نام نهاد، چرا که از طرفی در میان مردم به عنوان متخصص شناخته شده‌اند اما در میان اهل علم جز افرادی عوام دانسته نمی‌شوند. آسیب این افراد برای دین بیش از دشمنان خواهد بود و باید گفت که برخی از تحریفات دینی ناشی از دغدغه‌های نا مقدسی است که این افراد داشته و گمان دارند برای نجات دین باید به هر گفتار و تحلیل استناد نمایند. افرادی وجود دارند که با تحلیل‌ها و عبارت‌های بی مایه بسترهایی را برای گرایش به مدعیان پهن کرده و یا مستمسکی برای دین‌ستیزان فراهم آورده‌اند.

در مواردی مشاهده می‌گردد که علل گرایش به افراد در آموزش مبانی دینی نه تخصص بلکه خوشایند بودن کلمات گوینده برای مخاطب گردیده است. به عبارت دیگر غلبه‌ی خواسته‌های فردی بر پیام‌های صحیح دین و آموزه‌های مهدوی رخ داده و آن‌چه را جست‌وجو می‌کنیم که دوست داریم بشنویم؛ نه آن‌چه را که حقیقت است! به عنوان نمونه می‌توان به روایتی جعلی در اثبات نشانه‌ی ظهور بودن مرگ ملک عبدالله پادشاه سابق عربستان در برخی سخنرانی‌ها و سایت‌ها اشاره نمود. (شهبازیان، ۱۳۹۴ش: ۳۴)

۶. دوری از اهل علم و فقها

از شگردهای مدعیان دروغین بهره‌گیری از شبهات است. به تعبیر حضرت علی علیه‌السلام مراد از شبهه، آمیختگی باطل با حق است. چراکه پس از این آمیختگی تشخیص امر مشکل بوده و نمی‌توان به راحتی آن‌ها را جدا نمود (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۸) در آیات شریفه قرآن اشاره شده است که افراد مریض و مغرض، به متشابهات قرآن تمسک کرده و از این راه برای فتنه‌انگیزی بهره برده و قلوب دیگران را بیمار می‌کنند. (آل‌عمران: ۷) بنابر سخن پیش گفته از امیرالمومنین علیه‌السلام، راه اصلی در تقابل با شبهات بهره‌گیری از یقینیات دینی و عقل است و بدان طریق می‌توان ازگرداب شبهات خود را رهانید. اما پرسش در این است آیا همه مردم به یقینیات تسلط کامل دارند؟ آیا در صورت آشنایی اولیه می‌توانند در مواقع بحرانی از آن‌ها بهره گیرند؟به یقین هیچ عقل سلیمی چنین فکر نمی‌کند و این امر برای همگان روشن است که در جامعه‌ی دینی عموم مردم نیاز به اهل علم و متخصصان در امر دین دارند. لذا حتی افرادی که جذب جریان‌های انحرافی می‌گردند در مقام یافتن پاسخ از عالمان و متخصصان خود ـ البته در حقیقت عالمان دروغین ـ می‌باشند. از این روی بنابر حکم عقل و دین، باید از عالمان دینی که میراث‌دار ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند بهره برد. متعدد در بیانات نورانی ائمه اطهار علیهم‌السلام از جایگاه فقاهت در دین و عالمان دینی سخن گفته شده و مردم را به احترام آنان دعوت می‌کنند. امام صادق علیه‌السلام در بیانی می‌فرمایند:

> کسی که از یك حقیقت (ایمان خالص) استوار برخوردار باشد، بر شبهه‌ای باطل و پوسیده تکیه نکند، تا این‌که نقطه پایان [آن و پیامدهای فاسدش]را بداند [و دریابد که حق در فراسوی آن شبهه است] و [حکم] آن‌چه را پدید می‌آید، ازکسی طلب کند که از سوی وارث علم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سخن می‌گوید. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۸، ۲۴۲)

در این روایت به صراحت اشاره گردیده که لازم است جهت رهایی از شبهه به (سخن‌گویان از جانب ائمه علیهم‌السلام) تکیه نمود. علامه مجلسی در تبیین معنای «الناطق الوارث» می‌گویند:

> یعنی حکمی که به تازگی پدید آمده است، از ناطق یعنی روایت‌کننده و خبردهنده از امام معصوم علیه‌السلام ـ که وارث علم پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد ـ پرسش شود. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۲۶، ۲۰۴)

امام هادی علیه‌السلام در روایتی دیگر عالمان و فقهای دین را همچون سدی در برابر هجمه‌های شیطان دانسته که قلوب مردم را از تردید در دین نگه می‌دارند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج۱، ۱۸)

باید دانست که فهم سخنان معصومین علیهم‌السلام و تشخیص حق از باطل و همچنین تبحر در علوم حدیث و فهم مطلق از مقید، ناسخ از منسوخ، مجمل از مبین، محکم از متشابه و غیره به سادگی به دست نمی‌آید و نمی‌توان ساده‌انگارانه ماند حشویه و برخی از اخباریین تنها به صرف وجود روایتی مدعای خود را اثبات نمود. لذا در روایات تاکید گردیده که صرف نقل روایات معرفتی برای جامعه دینی به ارمغان نیاورده و لازم است تدبر و فهم پیرامون آن صورت پذیرد. (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۲) حضرت علی علیه‌السلام در بیانی طولانی به اسرار اختلاف در احادیث پرداخته و از این راه آشکار می‌گردد که هر فردی توانایی کنکاش و تحلیل روایات را نداشته و خود نیاز به کسب دانش و تمرین بسیار داد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۶۳) لذا به میزانی که جامعه‌ی دینی با اهل فن و فقها ارتباط داشته باشد از واقع شدن درگرداب شبهات رهایی می‌یابد. از این روی مدعیان دروغین نیز تمام تلاش خود را در دورکردن مردم از عالمان دینی قرار داده و به جایگاه آنان می‌تازند.[1]

۷. عدم توجه به نقل روایات از منابع کهنِ معتبر

یکی از موارد مهم در نقل احادیث بهره‌گیری از منابع دست اول و معتبر می‌باشد. پژوهش‌گر و هر فردحق طلبی باید چند مرحله را در اعتبارکتاب مد نظر قرار دهد.

اولاً: آیا شاهدی بر اثبات کتاب برای مولف وجود دارد؟ چه بسا این کتاب را بدون دلیل به فردی نسبت داده باشند.

ثانیاً: اگر درکتبی مانند فهرست نجاشی بیان شود که فلان فرد کتابی با عنوان فلان داشته است، آیا می‌توان نسخه‌ی خطی یافت شده از او را همان کتاب دانست؟

ثالثاً:اعتبار این کتاب و جایگاه آن کجاست؟

رابعاً: آیا نسخه‌های موجود با یکدیگر تفاوت دارند یا خیر؟ وکدام نسخه معتبر می‌باشد؟

از این رهگذر است که عالمان دینی در راه‌های تحمل حدیث (طرق تحمل حدیث) مباحثی را مطرح کرده وکتاب‌هایی مانند *فهرست* نجاشی، *فهرست* شیخ طوسی، *فهرست* شیخ منتجب‌الدین و غیره تدوین گردیده است. درکتب فقهی اصیل شیعه مانند *من لا یحضره الفقیه* شیخ صدوق و *تهذیب الاحکام* شیخ طوسی، بحثی با عنوان (مشیخه) و راه‌های کسب حدیث

۱. جهت نقد شبهات مدعین دروغین در مذمت فقها ر. ک: مقاله «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریانات انحرافی بر مذمت فقها»، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش۵۶.

این بزرگان ازکتب عالمان پیش از خود ذکرگردیده است. این امر مهم به گونه‌ای بوده است که برخی از یاران ائمه علیهم‌السلام برای نقل کتاب دیگر عالمان شیعی احتیاط نموده و تا کتاب را از شخص نویسنده دریافت نمی‌کردند، خود را مجاز به نقل حدیث نمی‌دانستند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۵۲) و یا احمد بن محمد عیسی اشعری قمی، آن‌چنان مقید به نقل روایت با شرایطش بوده و در نقل ازکتب ظرافت داشته است که کتاب حدیثی غیر مسموع را از صاحب کتاب دریافت نمی‌کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۸ق: ۳۹)

در عبارتی دیگر مرحوم نجاشی که خود بزرگ‌ترین کتاب‌شناس بوده است عنوان می‌کند که اگر چه به کتاب‌های حسین و حسن فرزندان سعید اهوازی طریق و راه‌های بسیاری دارم و از تعداد زیادی از افراد این کتاب‌ها را شنیده‌ام اما استادم ابن نوح سیرافی تصریح می‌کند که اولویت در نقل احادیث ازکتاب نوشته شده توسط احمدبن محمدبن عیسی می‌باشد و در نقل بر آن اعتماد کن. (همو: ۵۹)

متاسفانه این مهم در میان برخی از نویسندگان جایگاهی نداشته و در نقل‌های خود به کتبی استناد می‌کنند که محققان و اهل فن، یا در انتساب آن و یا در اعتبار آن تردید جدی و بلکه یقین به نا استواری کتاب دارند. لذا امروزه شاهد هستیم که به کتاب‌هایی مانند ***نورالانوار، جرایدسبعه، براهین الفرقان*** و غیره از مجموعه کتب شیخ ابوالحسن مرندی،[1] ***بیان الائمه*** (محمد مهدی زین‌العابدین)،[2] ***۲۵۰ علامت ظهور*** (حسنی طباطبایی)، ***ماذا قال علی علیه‌السلام عن آخرالزمان*** (سیدعلی عاشور)، ***عصرظهور*** (استاد شیخ علی کورانی)[3] و ***یوم الخلاص*** (کامل سلیمان) در میان شیعیان و مجموعه کتب محمدعیسی داود با عناوین ***المفاجأة بشراک یا قدس، المهدی المنتظر علی الابواب***،[4] کتاب ***عمر أمة الإسلام وقرب ظهور المهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (امین محمد جمال‌الدین)، ***أشراط***

---

۱. در نقدکتب این فرد ر. ک: نقد برخی روایات مهدوی درکتب شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش۹ و نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش۴۶.

۲. در نقدی بر قسمت‌هایی از مطالب این کتاب ر. ک: بیان الائمة علیهم‌السلام و خطبة البیان فی المیزان، سیدجعفر مرتضی عاملی.

۳. یکی از مهم‌ترین اشکالات به این کتاب، اعتماد نویسنده محترم به کتاب (الفتن) نعیم بن حماد و استناد بیشمار به کتاب این فرد می‌باشد. فتن ابن حماد قدیمی‌ترین کتاب در مهدویت، مصطفی صادقی، فصل‌نامه آیینه پژوهش، ش۸۴.

۴. در مورد این فرد ر. ک: ره افسانه، محمد شهبازیان، ۳۹.

الساعة و هجوم الغرب (فهد سالم) و غیره در میان اهل‌سنت، استناد می‌شود در حالی که این کتب دارای مطالبی جعلی و تحریف‌های متعدد و یا برداشت‌های ناصحیح در تطبیق نشانه‌های ظهور می‌باشند.

هم‌چنین می‌توان در این قسمت، عدم توجه به متن صحیح و خالی از اشتباه چاپی و عدم پای‌بندی به ترجمه صحیح و کامل از متن حدیث را اضافه نمود. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام عدم توجه به مفهوم و معنای حقیقی احادیث را عامل گمراهی ابوالخطاب و رهبری او برای غالیان عنوان نموده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۲۷۰) علامه مجلسی که خود از استوانه‌های حدیث شیعه محسوب می‌گردند در تذکری سودمند، به سهل‌انگاری در نقل روایات از منابع غیر معتبر به بهانه اخبار (من بلغ) و قاعده تسامح در ادله سنن پرداخته (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ج۱، ۳۰۰) و می‌فرمایند:

> برخی از عالمان شیعی با تمسک به این قاعده، در احکام مستحبی به اخبار اهل‌سنت تمسک یافته و آن اخبار را در کتاب‌هایشان ذکر می‌کنند. در حالی که این عمل خالی از اشکال نیست چراکه عمل به اخبار آن‌ها نهی شده به ویژه این‌که در روایات آنان شکل اختراعی و عبادت بدعت‌آلودی که در اخبار معتبر وجود ندارد دیده شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۲، ۲۱۷)

۸. ترویج فراحس‌گرایی در برابر نص‌گرایی

خدای متعال معجزه جاودان پیامبر اسلام را قرآن قرار داده و دستور به تدبر در آن را صادر فرموده است. (محمد: ۲۴) در بیان شیوا و نورانی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز امت را به دو ثقل و منبع راهنمایی کرده و تمسک به آن دو را عامل هدایت دانسته‌اند؛ یکی قرآن و دیگری روایات معتبر و متقن از ائمه اطهار علیهم‌السلام. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۲، ۴۱۵) قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز راه‌هایی را برای کشف حقیقت بیان فرموده‌اند که در آن اموری مانند خواب، استخاره، جفر، اسطرلاب و غیره وجود ندارد و کسی نمی‌تواند از آن‌ها مطلبی فقهی و یا عقیدتی را استخراج نماید.[۱]

عدم درک درست در فهم روابط طبیعت و ماورای طبیعت و گاهی خواب‌نما شدن، عامل گرایش به خرافات و توهمات بوده و بستری مناسب برای مدعیان دروغین فراهم می‌آورد تا نادانی علمی خود را با سخنانی بدون دلیل و یا با بهره‌گیری از تسخیر اجنه‌ی شر و علوم غریبه

---

۱. جهت نقد خواب و استخاره ر.ک: خواب پریشان، محمد شهبازیان و ره افسانه، محمد شهبازیان، ۶۹ و ۹۶.

پوشش داده و به مریدان خود چنین القا نمایند که خواب و شهودهای قلبی شما افضل و بالاتر از ادله‌ی عقلی و علمی می‌باشد! در این میان افرادی که برای اثبات مطالب حق به چنین روش ناپسندی متوسل شده و گمان دارند می‌توانند مردم رابه دین امیدوار و پایبند نمایند سخت در اشتباهند و باید بدانند که خود، بستری برای رشد سخنان بدون دلیل و تحریف در دین شده‌اند.

۹. سکوت اهل علم در برابر انحرافات

خدای متعال از عالمان دینی تعهد گرفته است که بیان‌کننده دستورات الهی باشند و آن را از مردم مخفی نکنند (آل عمران: ۱۸۷) و با تحلیل مبتنی بر عقل و متون دینی، سخن صحیح از ناصحیح را به مردم نشان دهند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۵۴) اما در مواردی دیده می‌شود که عدم راهبردی صحیح و فقدان دوراندیشی در میان متولیان فرهنگی و برخی از عالمان دینی، راه را بر رهزنان دین هموار می‌سازد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۲۷) در حالی که اگر زمان انتشار برخی کتب مانند کتب غیر علمی پیرامون نشانه‌های ظهور و یا پرداختن بدون مبنا به تطبیق در نشانه‌های ظهور توسط برخی از فضلای حوزه و سخنرانان دانشگاهی و رصد برخی سیاهه کاغذهای منتشره در بازار نشر، موضعی عالمانه از جانب تمام حوزه‌های علمیه و دغدغه‌مندان دین‌دار رخ می‌داد، اکنون با انبوهی از جریان‌های انحرافی و مدعیان موج‌سوار بر سخنان غیر عالمانه روبرو نمی‌گشتیم.

تلاش برخی از سهل‌اندیشان در تطبیق خراسانی، شعیب بن صالح، یمانی و سفیانی و دیگر افراد ذکر شده در نشانه‌های ظهور با شخصیت‌های موجود، برداشت‌های نادرست را افزایش داده و انحراف عقیدتی را به ارمغان آورد. باید اعتراف کرد که محصول این نگرش‌ها محصولاتی صوتی و تصویری مانند (ظهور بسیار نزدیک است) و مستندهای عبدالله هاشم خواهد بود.

شیوه‌های ایجاد تحریف

برای شناسایی تحریف در آموزه‌های مهدوی، لازم است تا چگونگی ایجاد آن مورد بررسی قرار گیرد. توجه به این قواعد کمک می‌کند تا در شناخت و بررسی گزاره‌ی تحریف شده دقت بیش‌تری نموده و از این رهگذر به نقد صحیح آن بپردازیم.

۱. جعل

جعل کامل

در این قسمت ما شاهد هستیم که جریان‌های انحرافی برای اثبات برخی آموزه‌های خود، متنی کامل را جعل نموده و به نام اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار می‌دهند. (صدوق، ۱۳۷۸ق: ج۱، ۳۰۴) و یا برای این‌که روایت وارد شده از حجت الهی را مطابق با مقصود آن‌ها ترجمه کنیم، روایتی دیگر را هم معنای با آن جعل نموده و به عنوان بیان‌کننده‌ی روایت مزبور استفاده می‌کنند. این شگرد در نشانه‌های ظهور بیش از دیگر آموزه‌های مهدوی خود را نشان داده است.[۱] خدای متعال نیز از این دسته یاد کرده و آنان را جویندگان ثمن بخس نام نهاده است. (بقره: ۷۹) نمونه مهدوی از این شیوه، روایتی پیرامون نشانه ظهور بودن حسنی مبارک پادشاه مخلوع مصر است. (شهبازیان، ۱۳۹۴ش: ۳۸) و یا استناد به خطبه‌ای از حضرت علی علیه‌السلام با عنوان «خطبة البیان» است که منبعی معتبر نداشته و مطالب آن گویای ساختگی بودن آن است.[۲]

افزودن عبارتی به متن

در این‌جا جریان‌های انحرافی تلاش می‌کنند تا با افزودن عبارت و یا کلمه‌ای به متن روایت، ادعای باطل خود را اثبات نمایند. امام صادق علیه‌السلام این ویژگی را برای ابوالخطاب غالی ذکر کرده است که بر متن روایت ایشان مطالبی را اضافه می‌کرده است. (کشی، ۱۳۶۳ش: ۲۹۵)

۲. تقطیع

مراد از این شگرد برش زدن بر عبارت‌های روایت است. در این عملکرد با حذف جمله یا جملاتی از روایت، معنای دیگر را ایجاد و القا می‌نمایند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۸) این تغییر در مقصود گاهی با کم نمودن حتی یک کلمه ممکن بوده است. (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج۱، ۴۲۲؛ شهبازیان، ۱۳۹۴ش: ۴۳)

---

۱. برای دیدن برخی از آن‌ها ر. ک: خطبة البیان فی المیزان، آیت‌الله سیدجعفر مرتضی عاملی، نقد برخی روایات مهدوی در کتب شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش۹ و نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، محمد شهبازیان، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش۴۶.

۲. ر. ک: خطبة البیان فی المیزان، سید جعفر مرتضی عاملی. در ادامه و بحث از تحریف جریان‌های انحرافی پیرامون جایگاه فقها به نقدی درباره آن اشاره می‌کنیم.

۳. ترجمه‌ی غلط

هرکلمه‌ای معنای مشخصی داشته و از این رو لازم است به لغت نامه‌های معتبر جهت تبیین یک روایت مراجعه نماییم. هم‌چنین باید توجه داشت که برخی از کلمات معنایی غیر از معنای لغوی خود داشته و مفهومی دیگر را می‌رسانند. به عنوان مثال کلمه (صلاة) در لغت به معنای (دعا) ذکر شده است اما در دین مبین اسلام معنای ابتدایی که از آن برداشت می‌شود و باید بدان پایبند بود عملی عبادی و دارای اجزای مشخص می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۶، ۲۷۳) لذا فردی نمی‌تواند دستور روایات به خواندن نماز را صرف دعا کردن بداند و یا مانند برخی از غلات مراد از این کلمه را افراد و اشخاص حقیقی بگیرد. (صفار، ۱۴۰۴ق: ج۱، ۵۳۶)

۴. جابجایی در کلمات

در مواردی با تغییر در کلمات یک متن معنای روایت تغییر نموده و مراد گوینده متفاوت می‌گردد. محققین روایت‌هایی که دچار این نوع از تحریف گردیده را «حدیث مقلوب» نام نهاده‌اند. (میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۹۲؛ دلبری، ۱۳۹۳ش)

نکته پایانی

برای کشف تحریف در روایات باید دقت بسیاری نمود چراکه برخلاف احادیث جعلی، با گزارشی روبرو هستیم که مقداری از آن یا تمام حدیث، در منابع روایی نقل شده است. لذا ضرورت دارد تا علاوه بر تطبیق سخن و روایت با قرآن (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۱، ۶۹)، شناخت منابع دینی، توانایی استخراج و فهم مطلب را نیز داشته باشیم. به تعبیر دیگر لازم است پس از خواندن و یا شنیدن یک روایت ابتدا به منبع اصلی مورد ادعا مراجعه کنیم و متن کامل را بیابیم؛ سپس با جست‌وجو در معنای آن به درستی یا نادرستی آن حکم کنیم.[۱] هم‌چنین باید توجه داشت که اگر خود توانایی یافتن منبع و یا مفاهیم روایات را نداریم لازم است به عالمان دینی که در این زمینه دارای تخصص هستند مراجعه کنیم (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج۱، ۱۸) و از آن‌ها یاری بجوییم. (برقی، ۱۳۷۱ق: ج۱، ۲۳۰)

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج۲، ۲۲۰، باب علل اختلاف الأخبار وکیفیة الجمع بینها و العمل بها و وجوه الاستنباط و بیان أنواع ما یجوز الاستدلال به.

نتیجه‌گیری

مدعیان دروغین و جریان‌های انحرافی شیوه تحریف را در القای آموزه‌های انحرافی خود برگزیده و با استفاده از جعل، تقطیع، ترجمه ی غلط، جابجایی درکلمات به تغییر عامدانه در لفظ و معنای روایات اقدام نموده‌اند. در این راستا جوامع و افرادی که در آن‌ها عوام‌زدگی، تحجرگرایی، اباحه‌گری و دوری از اهل علم تبلور یافته بیش از دیگران مورد آسیب خواهند بود. لذا لازم است تا با تبیین صحیح عقاید دینی و آموزش بهره‌گیری از منابع اصیل و نهادینه نمودن اخذ دین از فقهای با تقوا از این آسیب جلوگیری به عمل آید.



منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ***النهایة فی غریب الحدیث والأثر***، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷ش.
- ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی، ***الامالی***، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶.
- ـــــــــــــــ، ***عیون اخبار الرضا*** علیه‌السلام، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
- ـــــــــــــــ، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- ـــــــــــــــ، ***معانی الاخبار***، قم، دفتر نشر اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی، ***تهذیب التهذیب***، لبنان، دارصادر، اول، ۱۳۲۵ق.
- ابن حماد، نعیم، ***الفتن***، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۸ق.
- ابن طاوس، علی بن موسی، ***التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن***، بی‌جا، مؤسسه صاحب‌الامر، ۱۴۱۶ق.
- ابن قولویه، جعفربن محمد، ***کامل الزیارات***، نجف، دارلمرتضویة، اول، ۱۳۵۶ق.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- الأزدی (إبن ذهبی)، أبومحمد عبدالله بن محمد، ***کتاب الماء***، بی‌جا، مؤسسه مطالعات تاریخی پزشکی طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۷.
- امینی، عبدالحسین، ***الغدیر***، قم، نشر الغدیر، اول، ۱۴۱۶ق.
- انوری، حسن، ***فرهنگ بزرگ سخن***، تهران، سخن، دوم، ۱۳۸۲ش.
- برسی، حافظ رجب، ***مشارق انوار الیقین***، بیروت، اول، ۱۴۲۲ق.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد، ***المحاسن***، قم، دارالکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۷۱ق.
- تاجری‌نسب، غلامحسین، ***فرجام‌شناسی حیات انسان***، تهران، انتشاراتی منیر، ۱۳۸۷.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ***وسائل الشیعة***، قم، آل‌البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
- حسن، عباس، ***النحو الوافی***، بیروت، انتشارات ناصر خسرو، ششم، ۱۳۸۰ش.
- خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم، جریان‌شناسی سیاسی به مثابه روش، ***فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای درعلوم انسانی***، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ش۲، بهار ۱۳۸۸ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم، ***موسوعة الامام الخوئی***، قم، مرکز احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ق.

- دلبری، سیدعلی، تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها، ***فصل‌نامه کتاب قیم***، دانشگاه یزد، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.
- ری‌شهری، محمد، ***دانش‌نامه امام مهدی*** عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دارالحدیث، سوم، ۱۳۹۳ش.
- سبحانی، جعفر، ***رسائل ومقالات***، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۵.
- شعیری، تاج‌الدین، ***جامع الأخبار***، قم، دارالرضی، ۱۴۰۵ق.
- شهبازیان، محمد، بررسی و تحلیل استنادات روایی جریانات انحرافی بر مذمت فقها، ***فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود***، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۵۶، بهار ۱۳۹۶ش.
- ــــــــــــ، ***ره افسانه***، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۴ش.
- ــــــــــــ، نقد برخی روایت‌های مهدوی درکتب شیخ ابوالحسن مرندی، ***فصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی***، موسسه آینده روشن، ش۹، زمستان ۱۳۹۳ش.
- ــــــــــــ، نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، ***فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود***، مرکز تخصصی مهدویت، ش۴۶ پاییز ۱۳۹۳ش.
- شیخ صدوق، ***ثواب الأعمال وعقاب الأعمال***، قم، دارالرضی، ۱۴۰۶ق.
- صاحب بن عباد، ***المحیط فی اللغة***، بیروت، عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴ق.
- صادقی، مصطفی، فتن ابن حماد قدیمی‌ترین کتاب در مهدویت، ***دوماه‌نامه آیینه پژوهش***، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش۸۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۲ش.
- صفار، محمدبن الحسن، ***بصائر الدرجات***، قم، مکتبة آیت‌الله المرعشی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، احمد، ***الاحتجاج***، مشهد، نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، ***جوامع الجامع***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ***مجمع البحرین***، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمدبن الحسن، ***کتاب الغیبة***، قم، دارالمعارف الاسلامیة. اول، ۱۴۱۱ق.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، ***بیان الأئمه فی البیان فی المیزان***، بیروت، المرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۲۴.
- عرفان، امیرمحسن، بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویّت و گرایش مردم به آنان، ***فصل‌نامه انتظار***، مرکز تخصصی مهدویت، ش۳۰، پاییز ۱۳۸۸ش.
- عقیلی، ناظم، ***الرد الحاسم***، انتشارات انصار احمد اسماعیل بصری، دوم، ۲۰۱۲م.

ـ فتحیه، عباس، *همه گمراهند جزیمانی*، انتشارات انصار امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریف، ۱۳۹۶ش.
ـ *فجایع الدهور*، نسخه خطی موجود درکتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، به شماره ۳۱۷/۳۳ق.
۱۳۴۴ق
ـ فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
ـ قیس، سلیم بن، *کتاب سلیم*، قم، الهادی، اول، ۱۴۰۵ق.
ـ کاشف الغطاء، جعفر، *حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین*، تهران، شیخ احمد شیرازی، اول، ۱۳۱۹ق.
ـ کشی، محمدبن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، قم ،مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۳۶۳ش.
ـ کليني، محمد بن يعقوب، *الکافي*، علي‌اکبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
ـ مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
ـ ــــــــــــــ، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، دوم، ۱۴۰۴.
ـ مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرایند تکامل*، تهران، کویر، ۱۳۹۶.
ـ مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
ـ مصطفوی، سیدحسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.
ـ مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ش.
ـ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الفصول المختارة*، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
ـ ــــــــــــــ، *امالی*، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
ـ موسوی خمینی، سید روح‌الله، *ولایت فقیه*، قم، نشر و تنظیم آثار امام رحمه‌الله، ۱۴۲۳ق
ـ میرداماد، محمدباقر بن محمد، *الرواشح السماوية*، قم، دارالخلافة، اول، ۱۳۱۱ق.
ـ نجاشی، احمدبن علی، *رجال*، قم، نشر اسلامی، ششم، ۱۴۱۸ق.
ـ نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة للنعمانی*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
ـ هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، *فرهنگ فقه مطابق اهل‌بیت علیهم‌السلام*، قم، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۶ق.
ـ مصاحبه با حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه:
_ http://www.khosropanah.ir/fa/news/295_1392_10_16_03_28_10.html
_ https://www.google.com/maps/@30.9572156,47.2839648,14z

